

## Foundations and Impacts of the Principle of Transparency from the Perspective of Islamic Political Thought

**Mohsen Taheri (Corresponding Author)<sup>1</sup>**  
**Mohammad Javad Arasta<sup>2</sup>**  
**Mohsen Malek Afzali<sup>3</sup>**

1. Assistant Professor of Law, Islamic Azad University, Semnan, Iran; [taheri.publiclaw@hotmail.com](mailto:taheri.publiclaw@hotmail.com)
2. Associate Professor of Law, University of Tehran (Farabi Campus), Qom, Iran; [mjarasta@ut.ac.ir](mailto:mjarasta@ut.ac.ir)
3. Associate Professor of Al-Mustafa Al-Alamia Community, Qom, Iran: [mohsenmalekafzali@yahoo.com](mailto:mohsenmalekafzali@yahoo.com)

**Received:** 19 December 2016; **Revised:** 28 January 2018; **Accepted:** 14 March 2018

### **Abstract**

Meaning the disclosure and availability of information for investigation and monitoring, transparency is one of the key issues in macro governance discussions and reform of public administration. From the viewpoint of Islamic political thought, religious democracy is not based on the raw and unconscious ideas of the people, but on the essence of the people's consciousness, and as a trustee of the people, the task of the Islamic governor is to share the issues of society with the people transparently and clearly. The authors try to answer the question of how is Islam's approach to the issue of transparency. This paper is based on the assumption that the transparency of the Islamic government is one of the topics of interest in religious teachings, so that the tradition and living way of the innocents (holy persons) also affirm it and its many principles have been emphasized effects throughout Islam.

**Keywords:** Transparency Principle, Islam, Political Thought, Islamic Governance, Religious Democracy

## مبانی و آثار اصل شفافیت از منظر اندیشه‌ی سیاسی اسلام

محسن ظاهری (نویسنده مسئول)<sup>۱</sup>

محمدجواد ارسطو<sup>۲</sup>

محسن ملک افضلی<sup>۳</sup>

۱. استادیار حقوق دانشگاه آزاد، سمنان، ایران: taheri.publiclaw@hotmail.com

۲. دانشیار حقوق دانشگاه تهران (پردیس فارابی)، قم، ایران: mjarasta@ut.ac.ir

۳. دانشیار جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران: mohsenmalekafzali@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۹۵/۹/۲۹؛ تاریخ اصلاح: ۹۶/۱۱/۸؛ تاریخ پذیرش: ۹۶/۱۲/۲۳

### چکیده

شفافیت که به معنای آشکار بودن و در دسترس بودن اطلاعات جهت بررسی و نظارت است، از موضوعات محوری در مباحث کلان حکومت‌داری و اصلاح اداره‌ی عمومی است. از منظر اندیشه‌ی سیاسی اسلام، مردم‌سالاری دینی بر آرای خام و ناآگاهانه‌ی مردم استوار نیست، بلکه جوهر آن را آگاهی مردم شکل می‌دهد و وظیفه‌ی حاکم اسلامی به‌عنوان امانت‌دار مردم این است که مسائل جامعه را به‌گونه‌ای شفاف و صادقانه با مردم در میان بگذارد. نویسندگان در این پژوهش به دنبال پاسخ به این پرسش هستند که رویکرد اسلام به مقوله‌ی شفافیت چگونه است؟ این مقاله مبتنی بر این فرض است که شفافیت حکومت اسلامی جزو مقوله‌های مورد توجه در آموزه‌های دینی است؛ به‌نحوی که سنت و سیره‌ی معصومین نیز بر آن صحنه گذاشته و مبانی و آثار متعدد آن در جای‌جای دین اسلام مورد تأکید قرار گرفته است.

واژه‌های کلیدی: اصل شفافیت، اسلام، اندیشه‌ی سیاسی، حکومت اسلامی، مردم‌سالاری دینی.

## مقدمه

"شفافیت" موضوعی محوری در حکومت‌های مردم‌سالار کنونی و اصلاح اداره‌ی عمومی است، تا جایی که دسترسی آزادانه به اطلاعات و علنی‌بودن آن را شرط مقدم مقابله با فساد و تقویت پاسخ‌گویی مقام‌های عمومی دانسته‌اند (پدرام، ۱۳۸۱، ۸۶). امروزه اصل شفافیت مورد اقبال روزافزونی واقع شده و از منظر علوم و رشته‌های مختلف، مبانی و آثار مختلفی نیز برای آن بیان شده است. اسلام یک دین کامل و جامع است که می‌تواند پاسخ‌گوی نیازهای فردی و اجتماعی انسان باشد؛ لذا معقول است که انتظار داشته باشیم نسبت به این مسأله نیز بتوان دیدگاه خاصی را از آموزه‌های اسلامی استنباط و استخراج نمود.

سوال اصلی مقاله‌ی حاضر این است که دیدگاه اندیشه‌ی سیاسی اسلام نسبت به مبانی و آثار اصل شفافیت چگونه است؟ این مقاله مبتنی بر این فرضیه نگاشته شده است که مفهوم، مؤلفه‌ها و آثار اصل شفافیت جزو مقوله‌های مورد تأکید و توجه در آموزه‌های قرآنی و روایی است؛ دارای مبانی فقهی است، به‌نحوی که سنت و سیره‌ی ائمه‌ی معصومین (ع) نیز بر آن صحه می‌گذارند. نگارندگان در این مقاله درصدد تبیین این مسأله هستند که اساساً در اندیشه‌ی سیاسی اسلام چرا باید عملکرد حکومت‌ها واجد خصیصه‌ی شفافیت باشد و در نتیجه، عمل به این مقوله چه آثاری را در جامعه ایجاد خواهد کرد.

## ۱. نگاهی به مفاهیم پژوهش

در این قسمت به اقتضای حجم مقاله و به‌منظور ورود به بحث اصلی، ناگزیر از مروری گذرا بر ادبیات بعضی مفاهیم بنیادین مورد استفاده در پژوهش هستیم. این مفاهیم از این قرارند:

### ۱,۱. شفافیت<sup>۱</sup>

"شفافیت" مصدر اسمی "شفاف" بوده و در فرهنگ فارسی عمید به هرچیز لطیف و نازک

---

1. Transparency.

گفته می‌شود که از پشت آن اشیای دیگر نمایان باشد (عمید، ۱۳۷۸: ۸۴۸)؛ هم‌چنین به معنای نازکی، درخشندگی و تابناکی (معین، ۱۳۶۰: ۶۲۰) نیز آمده است. در صورت وجود شفافیت، افراد باید توضیح دهند که فرآیند تصمیم‌گیری آن‌ها چگونه است و ذی‌نفعان باید مطمئن باشند که هیچ مانعی برای انتقال اطلاعات به آن‌ها وجود ندارد. سیستم‌های شفاف، دارای روش‌های مشخصی برای تصمیم‌گیری به کمک عقل جمعی و مسیرهای ارتباطی میان ذی‌نفعان و اولیای امور هستند. یک حکمرانی شفاف، روشن می‌سازد که آنچه انجام می‌شود، چگونه و چرا انجام می‌شود و بر اساس چه استانداردهایی تصمیم‌گیری شده است (ضمیری، ۱۳۸۹: ۱۸۵).

## ۱.۲. آزادی اطلاعات<sup>۱</sup>

برای تحقق آرمان‌های شفافیت، راه‌های عملی مختلفی اندیشیده شده است که یکی از آن‌ها، تضمین آزادی اطلاعات برای شهروندان است. منظور از این امر، آزادی دسترسی افراد جامعه به اطلاعات موجود در مؤسسات عمومی و برخی مؤسسات غیرعمومی است (انصاری، ۱۳۸۷: ۲۰۶). فقدان آزادی اطلاعات و طفره‌رفتن از شناسایی آن، معلول وجود فرهنگ اسرارگرایی در بسیاری از حکومت‌های جهان است (همان: ۱۵۱). البته بسیاری از اوقات، مفهوم شفافیت و آزادی اطلاعات با یکدیگر خلط می‌شوند؛ در صورتی که شفافیت، مفهومی وسیع‌تر از آزادی اطلاعات را دربر دارد.

## ۲. بررسی مبانی اصل شفافیت از منظر اسلام

مطالعه و بررسی مبانی هر موضوعی موجب شناخت عمیق آن امر و هم‌چنین هویدا شدن ارزش‌های واقعی آن در یک نظام یا مکتب فکری می‌شود. با بررسی آموزه‌ها و اندیشه‌ی سیاسی دین مبین اسلام در مجموع می‌توان این مبانی را برای اصل شفافیت در نظر گرفت:

---

1. Freedom of Information.

## ۲،۱. حق دانستن و آگاهی مردم از امور

نخستین گام برای برقراری ارتباط میان دولت و شهروندان، آگاهی مردم از روند جریان امور و واقعیت‌هاست؛ یعنی همان چیزی که امروزه از آن به‌عنوان "حق دانستن" یاد می‌کنند. شفافیت را می‌توان وسیله و مقدمه‌ای بر حق آگاهی عمومی دانست. خداوند در قرآن کریم به مذمت و نکوهش انسان‌ها در پیروی از چیزی که به آن علم ندارند پرداخته است (اسراء: ۳۶). وجوب آگاهی‌بخشی و بیان حقیقت در مقابل حرمت کتمان حقایق نیز - در جایی که انسان نسبت به حقیقتی شناخت و آگاهی دارد - یکی از دستورات خداوند متعال است (نساء: ۱۷۱؛ بقره: ۴۲ و اعراف: ۱۰۵) که تحقق آن مستلزم وجود شفافیت است.

در اندیشه‌ی دینی، لازمه‌ی هر تصمیم‌گیری درستی، کسب اخبار و اطلاعات صحیح و کافی درباره‌ی موضوع مورد تصمیم و بررسی جوانب آن است؛ تاجایی که تصریح می‌شود: هیچ حرکتی بدون شناخت، به‌درستی میسر نیست. امیرالمومنین(ع) به کمیل بن زیاد فرموده است: «ای کمیل! هیچ حرکت و اقدامی نیست، مگر این‌که در آن به شناختی نیازمندی» (حرانی، ۱۳۹۴، ۱۱۵). هم‌چنین از آن حضرت روایت شده است: «درباره‌ی آنچه شناخت نداری، سخن مگویی» (تمیمی، ۱۴۱۰: ۳۱۹).

در سیره‌ی حضرت علی(ع) به‌عنوان یک الگوی اسلامی در امر حکمرانی، بر وجوب بیان حقایق و نفی رفتار قیّم‌مآبانه تأکید شده؛ به‌صورتی که در اندیشه‌ی سیاسی اسلام فقط اسرار نظامی و امنیتی جامعه از این حیثه استثنا گردیده است. در روایتی از حضرت امیر نقل شده است: «آگاه باشید که شما این حق را بر عهده‌ی من دارید که هیچ رازی را، مگر در خصوص جنگ از شما پنهان ننمایم و هیچ امری را بدون مشورت با شما جز در احکام شرعی انجام ندهم» (صالح، ۱۴۱۴: ۴۲۴). در سیره‌ی حکومتی علوی، این امر، یک رابطه‌ی دو طرفه است. حضرت حتی خودشان - به‌عنوان حاکم - دست به اطلاع‌رسانی و آگاهی‌بخشی می‌زنند؛ چنان‌که ایشان در نامه‌ی ۵۸ نهج‌البلاغه، امور حکومتی را به مردم شهرهای دور دست توضیح داده و از علت تصمیم‌گیری‌ها، صحبت به‌میان می‌آورند.

از مجموع این دستورات دینی برداشت می‌شود که اظهار حقایق با هدف آگاهی مردم و منع از کتمان حقایق از سوی افراد آگاه، امری است که مورد تأکید آموزه‌های اسلام است. در اسلام، مردم باید محرم حاکمیت و آگاه از رویدادها باشند؛ یعنی حکومت دینی باید عملکردی شفاف داشته باشد. این حق همگانی است و بدون ادای آن، تکلیفی به اطاعت و حمایت از حکومت نیز وجود ندارد.

## ۲.۲. اقتضای ادله‌ی وجوب شورا و مشورت

یکی از مهم‌ترین اصول سیاست اسلامی، اصل مشورت است که می‌تواند به‌عنوان مبنایی برای اصل شفافیت محسوب گردد. این حق مردم است که در تمامی سیاست‌گذاری‌ها، طرف مشورت قرار گیرند؛ از جهتی دیگر نیز این امر برای دولت‌مردان یک تکلیف به حساب می‌آید. در آیه‌ی ۳۸ سوره‌ی شوری بیان شده است که در امور مرتبط با شئون عامه، باید با مشورت انجام گیرد و این وصفی است که به‌صورت اخبار آمده و حتمیت را می‌رساند. با بررسی مجموع آیات و روایات در این خصوص می‌توان یک مصونیت جمعی برای انبوه امت لحاظ کرد. به‌عبارتی، آرای عمومی و اکثریت قاطع از جانب حق، بیمه شده است. آیات نکوهش از تفرق (روم: ۳۲ و آل‌عمران: ۱۰۵)، آیه‌ی منع از تنازع (انفال: ۴۶)، آیه‌ی اعتصام (آل‌عمران: ۱۰۲) و اتباع سبیل (انعام: ۱۵۳) و دیگر آیات بر همین امر تأکید دارند.

قرآن کریم، رسول مکرم اسلام (ص) را نیز به مشورت و نرم‌خویی با مردم در امور توصیه می‌کند (آل‌عمران: ۱۵۹)؛ از این‌رو اگر ایشان از سوی خداوند متعال مکلف به مشورت هستند، به‌طور قطع، دیگر والیان و حاکمان اسلامی درباره‌ی مشورت تکلیف بیش‌تری دارند. تکلیف پیامبر اکرم (ص) در مراجعه به مردم، درحالی که خداوند متعال وی را از اشتباه مصون داشته، برای هدف‌های دیگری مانند به‌دست‌آوردن دل مردم، واداشتن آنان به مشارکت در امور حکومت و سرمشق بودن برای دیگر والیان است (أصفی، ۱۳۸۵: ۳۶۲).

مشورت در حکومت، از جمله‌ی مهم‌ترین معیارهای حکمرانی خوب از دیدگاه امام علی (ع) می‌باشد؛ به‌طوری که ایشان در اکثر نامه‌ها به کارگزاران خود بر نفی نگرش مستبدانه و بر

بهره‌مندی از افکار و پیشنهادها و مشاوره‌های دیگران تأکید می‌کردند (نهج‌البلاغه، حکمت‌های ۱۶۱، ۵۴، ۳۲۱ و نامه‌های ۵۳ و ۲۷ و ۲۸). مشورت، باعث رفع اختلاف، پدیدآمدن آگاهی و بصیرت، تشخیص گزینه‌ی اصلح (مصطفوی، ۱۴۳۰، ج ۱: ۱۵۰)، جلوگیری از خودرایی و استبداد و عجله در تصمیم‌گیری (سیوطی، ۱۴۰۶، ج ۱: ۴۹۰)، شخصیت‌دادن به امت و رشد فکری مردم می‌شود.

به‌نوعی می‌توان تمام این ویژگی‌ها و آثاری را که برای مشورت بیان کردیم، برای اصل شفافیت نیز ارائه داد. بدون تردید، هر شوری، مستلزم داشتن اطلاعات لازم و صحیح و عملکرد شفاف و آگاه‌کردن مردم از آنچه در کار حکومتی می‌گذرد، خواهد بود. بنابراین می‌توان مشورت و شفافیت را لازم و ملزوم یک‌دیگر دانست و هرکدام را به‌عنوان مبنایی برای دیگری به حساب آورد.

### ۲,۳. نصیحت و خیرخواهی متقابل مردم و حکومت

"النصیحه لائمة المسلمین" یک تعبیر ریشه‌دار و پرسابقه است که در روایات متعددی به چشم می‌خورد. نصیحت از "نصح" گرفته شده است و در لغت به معنای اخلاص ورزیدن، خیر و صلاح کسی را خواستن، پند و اندرز خالصانه و نصیحت و تذکر دوستانه می‌باشد (آذرنوش، ۱۳۸۳: ۶۹۳). این تعبیر در مورد سخنانی که از روی نهایت خلوص نیت و خیرخواهی و عاری از تقلب و فریب و تزویر گفته می‌شود، به کار می‌رود (رشید رضا، ۱۴۲۱، ج ۱۰: ۵۸۷).

منشأ این عنوان از پیامبر گرامی اسلام است که در حجه‌الوداع، ضمن سخنرانی در مسجد خیف آن را بیان نمودند. این امر در بیانات ائمه‌ی اطهار(ع) به‌عنوان یکی از مسئولیت‌های امت اسلامی نیز مورد تأکید قرار گرفته است؛ تا آن‌جا که محدثان شیعه - هم‌چون مرحوم کلینی، محدث کاشانی و علامه مجلسی - در جوامع روایی، فصلی را به این عنوان اختصاص داده‌اند (سروش محلاتی، ۱۳۷۵: ۱۳۵). نصیحت با انگیزه‌ی خیرخواهی و اصلاح امور، خود موجب علاقه و پیوند دل‌هاست و علاقه و پیوند دل‌ها سبب نصیحت و خیرخواهی است. در قرآن کریم، ابلاغ رسالت الهی همراه با نصیحت بیان شده است: «أبلغکم رسالاتِ ربی و أنصحُ لکم» (اعراف: ۶۲). در کلام

مولای موحدان علی(ع) نیز آمده است: «نصیحت، نتیجه محبت است» (نوری الطبرسی، ۱۴۰۸، ج ۱۲: ۴۲۹)؛ یا «نصیحت، دوستی به بار می آورد» (تمیمی، ۱۴۱۰، ج ۱: ۴۲).  
 خیرخواهی و نصیحت، زبان خاصی نمی شناسد و ناصح بر اساس تشخیص خود و در جهت خیر منصوح، تلاش می کند (سروش محلاتی، ۱۳۷۵، ۱۴۰)؛ چنان که امیرمؤمنان انتقادهای صریح خود از عثمان را نصیحت می داند و در نامه ای به معاویه می نویسد: «گاه می شود که اندرزگو در معرض بدگمانی است» (نهج البلاغه، نامه ی ۲۸).

با این تأکیدات می توان گفت که نصیحت والیان و حاکمان از دو صبغه دارای اهمیت است: اول از جنبه ی اطلاع رسانی و ارشاد؛ و دوم از بعد نظارت و اصلاح امور. پس مردم علاوه بر اطاعت و پایبندی به بیعت، باید با نصیحت و خیرخواهی متقابل و ارائه ی هرچه بهتر حقایق و واقعیت ها، پیش قدم باشند. در واقع، نصیحت یک مقدمه دارد که همان شفافیت و اطلاع رسانی به مردم است. این مقدمه باید توسط حکومت انجام شود تا ذی المقدمه را مردم بتوانند به خوبی به انجام رسانند. مردم وقتی می توانند خیرخواهی و نصیحت بکنند که اطلاعات کافی در مورد عملکرد حکومت داشته باشند و زمام داران آن ها را محرم اسرار خود بدانند.

#### ۲،۴. امانت بودن حکومت و تعلق اطلاعات به مردم

در اندیشه ی سیاسی اسلام، حاکمیت و حکومت، امانتی در دست متصدیان و کارگزاران به شمار می رود؛ حاکم، ولی امر و متصدی کارهای مردم است و مکلف به تکلیف الهی مهمی است. محقق نائینی در این خصوص بیان می کند:

«رجوع حقیقت سلطنت اسلامی، بلکه در جمیع شرایع و ادیان به باب امانت و ولایت احد مشترکین در حقوق مشترک نوعیه، بدون هیچ مزیت برای شخص متصدی، از اظهر ضروریات دین اسلام و بلکه تمام شرایع و ادیان است» (نائینی، ۱۴۲۴، ج ۱: ۷۱).

در تفکر دینی، حکومت امانتی الهی است و به لحاظ آن که حاکم اسلامی، خلیفه ی خداوند و جانشینان معصوم محسوب می شود، وارث و امانت دار این امانت می باشند. از امام علی(ع) نقل



شده است که فرمود:

«بر امام است بر طبق آنچه که خدا نازل فرمود، حکم کند؛ و امانتی که به او سپرده، ادا نماید؛ و هرگاه چنین کند، بر مردم است که فرمان خدا را بشنوند و او را اطاعت نمایند و دعوتش را اجابت کنند» (نهج البلاغه، حکمت ۱۳۱).

در اسلام آنچه سبب گردش درست امور و سلامت و صلابت کارها می‌شود، آن است که مناصب و مسئولیت‌ها، امانت تلقی گردند و به شایستگان سپرده شوند. خداوند در قرآن فرمان داده است که امانت‌ها به اهلش سپرده شوند: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُوَدُّوا الْأَمَانَاتِ الِیْ أَهْلِهَا وَ إِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ» (نساء: ۵۸).

البته هرچند در این آیه امانات از نظر لفظ و مفهوم عام است و همه‌ی امانت‌ها را شامل می‌شود، اما حکومت و ولایتی که از جانب خداوند به کسی محول می‌گردد، یا مردم به شخصی واگذار می‌کنند، از بزرگ‌ترین امانت‌هاست و تکلیف نسبت به آن، بسیار خطیر و سنگین است. روایات متعددی گویای این امر هستند؛ چنان که از زید بن اسلم نقل شده است که درباره‌ی این آیه شریفه می‌گفت: «این آیه درباره‌ی رهبران و کسانی که کاری از امور مردم را بر عهده دارند، نازل شده است» (ابن ابی شیبیه، ۱۴۰۹، ج ۷: ۵۷۱). بنابراین در اسلام، ماهیت حکومت وابسته به گروه و طبقه‌ی خاصی نیست و امانتی الهی و مردمی در دست صالحان و متقیان است و هرگز با استبداد و خودکامگی سازگار نیست؛ از این رو، خود، زمینه‌ی مشارکت همه‌ی قشرهای مردم را در تمام مراحل تصمیم‌گیری‌های سیاسی اسلام محقق خواهد کرد (حبیبی، ۱۳۸۲: ۸۹).

لازم به ذکر است اگر قائل بر آن باشیم که حکومت، امانتی الهی در دست حکمران است، اطلاعاتی هم که حکومت در راستای عهده‌داری این امانت تحصیل می‌نماید، در عداد همان امانت قلمداد می‌شود و متعلق به صاحبان امانت خواهد بود. حکومت پنهان‌کار از یک عیب ذاتی رنج می‌برد و با فاصله انداختن بین مردم و حکومت از کارایی لازم برخوردار نخواهد بود و مردم را از داشتن آنچه حق آن‌هاست، محروم خواهد کرد. بنابراین باید بسترهای لازم برای شفافیت امور در جامعه فراهم گردند.

## ۲.۵. قاعده‌ی حفظ نظام

از جمله موضوعات مورد اتفاق فقها، وجوب حفظ نظام است. واژه‌ی "نظام" از ریشه‌ی "نظم" به معنای آراستن، نظم‌دادن، به رشته کشیدن مروارید، رویه، عادت و روش است (عمید، ۱۳۶۰، ج ۲، ذیل واژه). از معنای نظم و نظام می‌توان مفهوم حفظ نظام را حفظ آنچه قوام جامعه به آن است، دانست. عقل سلیم و شرع مقدس نیز هر دو بر این حکم می‌کنند که لازم است مصالح عمومی کشور و مردم بر آزادی‌های فردی ترجیح داده شود. چنان‌که طبق داوری عقل و شرع، اهتمام به حفظ نظام مسلمین از واجبات مهم می‌باشد (منتظری، ۱۴۰۹، ج ۴: ۳۰۰). باید اشاره کنیم که منع اخلال در نظام و وجوب حفظ آن، با یک‌دیگر ارتباط متقابل دارند؛ چنان‌که آمده است: «حفظ نظام من الواجبات الاکیده و اختلال امور المسلمین من الأمور المغبوضه» (خمینی، ۱۳۷۹، ج ۲: ۶۱۹).

از جمله‌ی منابع روایی که به این قاعده اشاره کرده‌اند، می‌توان به روایتی از پیامبر اکرم (ص) اشاره کرد. ایشان در مورد لزوم فرمانبرداری از ولی‌امر، از حاکم اسلامی با عنوان "نظام الاسلام" یاد کرده است: «سخن کسی که خداوند او را امارت داده است، بشنوید و از او فرمان برید که همانا او نظام اسلام است» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۳: ۲۹۸). امام رضا (ع) نیز در ضمن خطبه‌ای که الهام‌بخش شیعیان در بحث امامت است می‌فرماید: «امامت، زمام دین و مایه‌ی نظام و انسجام مسلمانان و صلاح دنیا و عزت مؤمنین است؛ امامت اساس برافراشته و فرع نمایان اسلام می‌باشد» (کلینی، ۱۴۱۹، ج ۲: ۱۹۸). مطابق این روایت، اصولاً علت امامت، نظام مسلمین است و این نظام، علت تشریح و نصب امامت قرار گرفته است.

با دقت در ادله و روح حاکم بر شریعت اسلام، آشکار می‌شود که حفظ نظام معاش مردم، علت یا حکمت بسیاری از احکام، و به اصطلاح از مقاصد شریعت، بوده است و شارع چه در مرحله‌ی وضع احکام و قوانین و چه در مرحله‌ی اجرا، هیچ‌گونه مشروعیتی برای افعال و اموری که موجب اختلال و نابه‌سامانی زندگی مردم شود، قایل نبوده است. اسلام با دعوت صاحبان قدرت به تهذیب، سعی دارد تا قدرت سیاسی را از مفسد احتمالی‌اش جدا کند.

با توجه به مطالب مذکور می‌توان بیان داشت که قاعده‌ی فقهی حفظ نظام، خود می‌تواند به‌عنوان مبنایی برای اصل شفافیت مطرح گردد؛ با این توضیح که مطابق با این قاعده، حرمت اخلال در نظام و وجوب حفظ آن از نظر شرعی محترم است. طبق حکم عقل نیز انجام آنچه موجب اختلال نظام زندگانی نوع بشر خواهد شد، عقلاً قبیح است و از این رو هر فعلی که حفظ نظام بر آن مبتنی باشد، لازم خواهد بود. بنابراین یکی از اصولی که می‌تواند مقدمه و زمینه‌ی نظارت، استحکام، تقویت و حفظ نظام را فراهم آورد، عمل به اصل شفافیت در حکومت اسلامی است.

### ۳. بررسی آثار اصل شفافیت از منظر اسلام

در قسمت دوم مقاله برآنیم که به بررسی آثار عمل به اصل شفافیت در اندیشه‌ی سیاسی اسلام بپردازیم، تا جایگاه و اهمیت این اصل را بهتر و دقیق‌تر شناسایی کنیم. از جمله مهم‌ترین آثاری که بر اصل شفافیت مترتب است، می‌توان به این موارد اشاره کرد:

#### ۳.۱. جلوگیری از فساد

فساد را باید نوعی عارضه‌ی ناشی از ضعف بنیادین دولت به‌شمار آورد (ضمیری، ۱۳۸۹: ۱۸۹). در محیط‌های غیرشفاف و مبهم، امکان کج‌روی‌ها افزایش می‌یابد و انجام رفتارهای فسادآلود تسهیل می‌شود (کمالی، ۱۳۹۲: ۱۴). شفافیت از طریق رؤیت‌پذیرکردن فرآیندها در امور حکومتی و عملکرد مقامات سبب می‌گردد که ریسک ارتکاب فساد و سواستفاده از موقعیت افزایش یابد.

یک حکومت دینی با سرلوحه‌قراردادن دستورات و آموزه‌های دین مبین اسلام می‌تواند به‌نحو مؤثر و کارآمدی با فساد مقابله کند. امام علی(ع) در خصوص مبارزه با فساد در میان حاکمان تاریخ بی‌نظیر است. ایشان در خصوص نقش حاکمان در جلوگیری از فساد فرموده‌اند: «همانا زمامدار، امین خدا در زمین، برپا دارنده‌ی عدالت در جامعه و عامل جلوگیری از فساد و گناه در میان مردم است» (خوانساری، ۱۳۴۶، ج ۲: ۶۰۴). برای مبارزه با فساد و ایجاد تحول در هر جامعه

و حکومت، باید کار را از دست ناهلان و فرومایگان خارج کرد و به دست پاک باختگان سپرد. حضرت در قسمتی از سخنان خود به این اصل تأکید کرده‌اند و می‌فرماید: «همانا بدترین وزیران و همکاران تو، آنانی هستند که برای اشرار قبل از تو وزیر بوده‌اند و در گناهان با آنان همکاری داشته‌اند» (نهج البلاغه، نامه‌ی ۵۳).

در دعای ابوحزمه ثمالی نیز از حضرت زین‌العابدین (ع) نقل گردیده است که ایشان خطاب به ذات باری تعالی می‌فرماید: «رب جللنی بسترک و اعف عن توییخی بکرم وجهک، فلو اطلع الیوم علی ذنبی غیرک ما فعلته» (طوسی، ۱۴۱۱، ج ۲: ۵۸۴). همان‌طور که در این دعا نیز آمده، این‌که انسان بداند کسی از گناه وی اطلاع خواهد یافت، سبب می‌شود که خود را بدان آلوده نسازد. بنابراین عملکرد شفاف و عیانی که قابل اطلاع برای همگان باشد، از فساد دور خواهد ماند. در مجموع، مطابق با تعالیم دینی، مفساد حکومت را در دو حوزه می‌توان دسته‌بندی کرد: اول، حوزه‌ی حکومت و کارگزاران حکومتی؛ و دوم، حوزه‌ی مردم و جامعه. البته در اسلام میان فساد حکومت و فساد مردم رابطه‌ی تنگاتنگ و متقابلی وجود دارد. بنابراین باید اشاره کنیم که در اسلام، وظیفه‌ی حکومت دینی است که از هر وسیله‌ای برای مبارزه و کاهش فساد در جامعه استفاده کند و با توجه به مبانی دینی اصل شفافیت می‌توان یکی از آثار مهم آن را کاهش فساد در جامعه دانست.

### ۳.۲. دفع شبهات و احتراز از سوظن

از دیگر آثار اصل شفافیت می‌توان به احتراز از سوظن و تهمت اشاره کرد. عدم شفافیت در عملکرد حکومتی می‌تواند باعث قرارگرفتن زمامداران در مظان اتهام و سوظن را فراهم آورد و ایجاد شبهه نماید. خداوند در سوره‌ی حجرات به‌صراحت به اجتناب از ظن امر کرده و از ظن و گمان‌های بی‌اساس به‌عنوان گناه یاد نموده است (حجرات: ۱۲).

در مدیریت اسلامی، تلقی مردم از امور به‌هیچ‌وجه نادیده گرفته نمی‌شود؛ هرگاه مردم درباره‌ی زمامداران و عملکرد آن‌ها دچار تردید و بدگمانی گردند، باید به برطرف‌ساختن آن همت گمارند (دلشاد تهرانی، ۱۳۹۵: ۲۲۷). در بسیاری از موارد، ائمه برای رفع شبهات عمومی در نزد افکار

عمومی، مردم را به سوال از خویش ترغیب می‌کردند. به‌عنوان مثال، حضرت علی(ع) پس از بیعت مردم با ایشان، بر منبر مسجد رفته و فرمود: «یا معاشر الناس! سلونی قبل ان تفقدونی» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۰: ۱۱۷).

در صورت عدم اطلاع‌رسانی صحیح و مناسب در جامعه، ممکن است این تصور در ذهن مردم شکل بگیرد که مسئولان آن‌ها افرادی آلوده و فاسد هستند؛ در نتیجه، این امر باعث سوق یافتن مردم به سمت رفتارهای خلاف و فسادبرانگیز گردد. در احادیث نیز به این امر اشاره شده است: «الناس علی دین ملوکهم» (اربلی، ۱۳۸۱، ج ۲: ۲۱)؛ یعنی اعضای جامعه بر مسلک حاکمان خود رفتار می‌کنند. هم‌چنین از حضرت امیر(ع) نقل است: «الناس بامرائهم اشبه منهم بآبائهم» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۵: ۴۶). از این‌رو کارگزاران عمومی و حکومتی باید در مواردی که عملکرد آن‌ها موجب آلوده‌شدن ذهن شهروندان به شبهه می‌شود، با شفاف‌سازی و اطلاع‌رسانی، آن‌ها را از درگیر شدن و گرایش به سمت فساد بازدارند. امام علی(ع) در فرمان خود به مالک اشتر بیان می‌کند: «چنان‌چه مردم گمان برند که تو مرتکب ظلم گشته‌ای، عذر و دلیل خویش را برای آن‌ها آشکار نما و از این طریق، گمان ایشان را در مورد خود برگردان» (صالح، ۱۴۱۴: ۴۴۲).

بنابراین در اندیشه‌ی سیاسی اسلام، بر کارگزاران حکومت واجب و لازم است در صورتی‌که احتمال دهند رفتار ایشان نزد مردم نادرست جلوه‌گر شود، اطلاعات لازم را برای تنویر افکار عمومی عرضه بدارند و اصل شفافیت را نصب‌العین خود قرار دهند. در حقیقت، اطلاع‌رسانی و آشکارکردن عذر والی، موجب رهایی مردم از بدگمانی و بی‌اعتمادی و تقدیم محبت و مهربانی به آنان می‌شود و در نتیجه، آن‌ها را به سمت مسیر حق سوق خواهد داد.

### ۳,۳. کسب اعتماد و رضایت عمومی

جامعه بر اساس برخی پیش‌فرض‌های مبتنی بر اعتماد عمل می‌کند و اعتماد در یک فضای شفاف می‌تواند به بهترین وجه شکل بگیرد (ضمیری، ۱۳۸۹: ۱۸۵). دین اسلام تأکید زیادی بر تقویت اعتماد در جوامع مسلمان دارد و از طریق سازوکارهایی، اعتماد اجتماعی را ایجاد و تقویت می‌کند. توجه و ترویج به مؤلفه‌های اخلاقی تأکیدشده در دین اسلام، مانند: عهد و پیمان،

عدالت محوری، استضعاف زدایی، فسادستیزی، ادای امانت، عدم تظاهر، راستی و صداقت، احترام به حقوق دیگران و موارد مشابه دیگر، می‌تواند زمینه‌ساز اعتماد اجتماعی در جوامع اسلامی شود (افشانی، ۱۳۹۱: ۱۷۶). مبرهن است که ترویج عنصر شفافیت در جامعه‌ی اسلامی نیز می‌تواند، به‌نوبه‌ی خود، زمینه‌ساز گفت‌وگوی نقادانه با اصحاب حکومت و ایجاد وفاق عمومی و تقویت مجموع عناصر نام‌برده‌شده به حساب آید.

در منابع دینی تصریح به اهمیت رضایت مردم نه تنها در قالب گزاره‌های هنجاری، بلکه با اشاره به روابطی واقعی و اثباتی یاد شده است. حضرت علی(ع) در بخشی از نامه‌ی خود به مالک اشتر، خدمت‌گزاری حکومت به مردم و درک این رضایت را ملاک خوب‌بودن حکومت می‌داند و می‌فرماید: «انما يستدل علی الصالحین بما یجری الله لهم علی السن عباده» (نهج‌البلاغه، نامه‌ی ۵۳).

اعتماد و رضایت متقابل میان افراد جامعه، به‌ویژه حاکمان و مردم، یکی از عوامل مهم دست‌یابی به آرامش اجتماعی و امنیت در حوزه‌ی سیاسی به‌شمار می‌رود که در پرتو شفافیت می‌توان به آن دست یافت. امام علی(ع) در فرمان خود خطاب به مالک اشتر، آن را مهم‌ترین عامل ایجاد آرامش خاطر حاکمان در رسیدگی به امور مردم می‌داند و اشاره می‌کند حاکمانی که از این طریق اعتماد مردم را جلب کنند، بیمی از انقلاب و شورش نخواهند داشت (همان). ایشان هم‌چنین حاکمان را از دادن وعده‌های دروغین به مردم برحذر داشته و آن را موجب بی‌اعتمادی می‌داند (همان).

### ۳,۴. نزدیکی مردم به حکومت

گفت‌وگو در محیطی باز و آزاد، خط فاصل بین فرمانروا و فرمانبر را از میان برمی‌دارد و این بینش را القا می‌کند که حکام و زمامداران از آن‌ها جدا نیستند. این نوع گفت‌وشنود، محیط اجتماعی را به‌سوی آشتی، پرهیز از خشونت و تضاد پیش می‌کشد (قاضی، ۱۳۷۵: ۳۱). در پرتو اصل شفافیت می‌توان گفت که زمینه‌ی نزدیکی و قرب بین فرمانبر و فرمانروا ایجاد شده و افراد می‌توانند آزادانه نظرات و انتقادات خود را ابراز کنند و روح مقاومت و وحدت به کالبد جامعه

دمیده شود.

پدیدار ساختن ارتباط بی‌واسطه و نزدیک بر روابط بین کارگزاران دولتی و مردم از اموری است که مورد تأیید آموزه‌های اسلام است. امام علی (ع) خطاب به قثم بن عباس - حاکم خود در مکه - می‌فرماید: «برای مردم، حج را به پا دار و روزهای خدا را به یادشان آور؛ در بامداد و شامگاه در یک مجلس عمومی با مردم بنشین» (نهج البلاغه، نامه‌ی ۶۷).

باید توجه داشت که روند محرم‌انگی، تأثیر شهروندان بر حکومت را کم کرده و بین قدرت و منشأ آن یعنی مردم، فاصله و حاجب ایجاد می‌کند (انصاری، ۱۳۸۶: ۱۴۳). در اسلام، اصل عدم احتجاب زمامداران از مردم قابل برداشت است. احتجاب در لغت به معنای در پرده رفتن و در حجاب شدن است (جعفری لنگرودی، ۱۳۶۰، ج ۲: ۵۲۵). امیرمؤمنان پنهان‌بودن والیان از مردم را نمونه‌ای از تنگ‌خویی و کم‌اطلاعی از امور جامعه دانسته و در بخشی از نامه‌ی خود به فرماندار مکه فرموده‌اند: «نباید بین تو و مردم واسطه و سفیری جز زبانت و حاجب و پرده‌ای جز چهره‌ات باشد» (دشتی، ۱۳۸۵: ۳۸۵).

زمامداران و مدیرانی که در اداره‌ی امور، اصل را بر جدایی از مردم و ایجاد فاصله با ایشان قرار می‌دهند، در واقع خود را از روابط انسانی و رحمت الهی محروم می‌سازند. از رسول خدا (ص) روایت شده است که فرمود: «هر زمام‌داری که در درگاه خویش را بر روی ارباب نیاز و حاجت ببندد، خداوند، رحمت خود را بر او در هنگام نیاز و حاجتش ببندد» (بوکیع، ۱۴۰۶، ج ۱: ۷۵). بدین ترتیب در اندیشه‌ی سیاسی اسلام، حتی‌المقدور نباید حائل و مانعی میان حکمران و عامه‌ی مردم وجود داشته باشد تا مراوده‌ی مردم با کارگزاران معنی‌دارتر گردد.

### ۳,۵. ایجاد نظارت همگانی و پاسخ‌گویی

یکی از سنت‌های ثابت الهی، نظارت کامل و دقیق بر اعمال و نیات انسان‌ها و ارزیابی آنهاست و بر مبنای همین موضوع در روز قیامت، پاداش یا کیفر مناسب اعمال انسان تعیین می‌شود. نظارت در اسلام، عمومیت دارد؛ به‌ترتیبی که همه‌ی افراد، حتی پیامبران الهی را نیز دربر می‌گیرد. چنان‌که خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «به‌یقین از کسانی که پیامبران به‌سوی

آن‌ها فرستاده شدند، سوال خواهیم کرد و از پیامبران سوال می‌کنیم» (اعراف: ۶).  
 حق نظارت، خواستن و پیگیری کردن، جزو شروط لازم مردم در نظام سیاسی مطلوب اسلامی است (جاویدی، ۱۳۹۵: ۹۸). در اسلام، حقوق و وظایف سیاسی مردم منحصر به حضور در صحنه و مشارکت در تصمیم‌گیری‌ها نیست؛ بلکه در مرحله‌ی بعد هم مردم باید با نظارت بر عملکرد مسئولان در جریان روند اجرای تصمیم‌ها قرار گرفته و ابراز نظر کنند. پیامبر اکرم (ص) آن‌گاه که معاذ بن جبل را به سوی یمن می‌فرستاد به او دستور می‌دهد که: «ای معاذ! در مورد هر مسأله‌ای که فکر می‌کنی درباره‌ی آن از تو انتقاد خواهند کرد، پیشاپیش دلایل و توجیهاات خود را برای مردم بازگو کن تا تو را معذور دارند» (اسماعیلی، ۱۳۸۶: ۲۵۷).

در سیره‌ی علوی نیز بر امر نظارت و بازرسی کارگزاران، برای اثربخشی بیشتر دستورات توجه و تأکید ویژه‌ای شده است، به طوری که آن حضرت همیشه به فرمانداران خود توصیه می‌نمودند که افرادی خبره و متعهد و امین به‌عنوان بازرس به‌صورت آشکار و پنهان، کار عاملان حکومتی را مورد بررسی قرار دهند و آن‌چه را که مشاهده نموده‌اند به فرمانداران گزارش دهند (دشتی، ۱۳۸۵، ۴۱۱). هم‌چنین در نهج‌البلاغه به موارد متعددی برمی‌خوریم که حضرت تعابیری هم‌چون «بلغنی عنک» دارند که حاکی از حسن نظارت ایشان بر کارگزاران است (باقرزاده، ۱۳۷۹: ۱۸).

اثری که بر این نوع نظارت‌های همگانی و شفافیت امور مترتب می‌گردد، پاسخ‌گویی حکومت و زمامداران خواهد بود. در واقع لازمه‌ی نظارت، پاسخ‌گویی خواهد بود و بدون پاسخ‌گویی، عمل نظارت کاری لغو و عبث خواهد بود. پاسخ‌گویی مسئولان یک حقیقت اسلامی و حق مردم است و مسئولیت‌مدیر و کارگزار در کشور اسلامی ایجاب می‌کند که وی درباره‌ی مسائل حوزه‌ی مسئولیت خود برای مردم توضیح دهید (جاویدی، ۱۳۹۵: ۹۴). بنابراین در صورت فراهم شدن شرایط نظارت همگانی در حکومت، خطاها و ضعف‌های جریان حکمرانی آشکار شده و این امر همانند اهرمی قوی به مهار قدرت و دفع استبداد منجر خواهد شد؛ همه‌ی این امور در پرتو اصل شفافیت می‌توانند اجرایی گردند.



### نتیجه‌گیری

اندیشه‌ی سیاسی اسلام از منابع و سرچشمه‌هایی ارتزاق می‌کند که با منابع سایر مکاتب متفاوت است؛ از این‌رو با بررسی اصل شفافیت از این منظر می‌توان انتظار داشت که یک چشم‌انداز جدیدی برای حکومت اسلامی ترسیم کرده باشیم. نتایج حاصل از این پژوهش را به اختصار این‌گونه می‌توان دسته‌بندی نمود:

۱- از نقطه‌نظر ماهوی، موضع اسلام نسبت به محتوای اصل شفافیت با توجه به دوره‌ی نزول آن، بسیار منحصر به فرد و قابل تأمل است. توجه به جزئیات این اصل و قرارگرفتن این اصل بر بنیان معارف دقیق دینی، نشان‌دهنده‌ی این است که شفاف‌سازی باید در چارچوب ضوابط اخلاقی و ابزار مشروع دینی باشد.

۲- مردم‌سالاری دینی با فریب و نیرنگ تعریف نشده و جوهر آن را آگاهی شکل می‌دهد. وظیفه‌ی حاکم اسلامی به‌عنوان امانت‌دار مردم آن است که مسائل جامعه و حکومت را به‌گونه‌ای شفاف و صادقانه با مردم در میان بگذارد، تا مردم بتوانند همکاری مناسب‌تری با نظام اسلامی داشته باشند.

۳- حکومت سالم حکومتی در خدمت مردم و متکی به آنان است؛ بنابراین سرّ بقای آن، شفافیت و اشاعه‌ی اطلاعات در میان مردم است. فقدان شفافیت با ایجاد عدم تقارن‌های اطلاعاتی میان زمامداران و مردم، عرصه را برای فساد، گسست و فروپاشی نظام اسلامی فراهم خواهد آورد.

۴- در اسلام، علاوه بر کارکردهای مادی شفافیت - مثل تسهیل نظارت و پاسخ‌گویی و مسئولیت‌پذیری - به مسائلی نظیر رفع سوظن نسبت به حکومت و کسب اعتماد عمومی، قرب و نزدیکی بین والی و مردم و ایجاد الفت اسلامی در جامعه نیز تأکید شده است؛ مساله‌ای که در سایر مکاتب کم‌تر مورد توجه قرار گرفته است.

۵- منابع اصیل اسلامی از چنان ظرفیتی برخوردارند که اصول و ارزش‌های مطلوب در امر حکمرانی را با حفظ مبانی دینی برای یک جامعه‌ی اسلامی تضمین می‌کنند. اسلام با محور قراردادن اخلاق و صداقت، تقویت انگیزه‌های معنوی، پیوند منافع جمع با فرد و جمع بین مراقبت‌های درونی و بیرونی، نظام انگیزشی قوی‌ای را برای عدم کتمان حقایق و تحقق شفافیت فراهم ساخته است.

## منابع

قرآن کریم.

نهج البلاغه.

۱. ابن ابی شیبہ، ابوبکر. (۱۴۰۹ق). مصنف فی الاحادیث و الآثار. بیروت: دارالفکر.
۲. اربلی، ابوالحسن. (۱۳۸۱ق). کشف الغمه فی معرفه الائمه. تبریز: نشر بنی هاشمی.
۳. آذرنوش، آذرتاش. (۱۳۸۶). فرهنگ معاصر عربی- فارسی. تهران: نشر نی.
۴. اسماعیلی، محسن. (۱۳۸۶). آزادی ارتباطات و اطلاعات در حقوق و معارف اسلامی. در: مجله رسانه، شماره ۶۹.
۵. آصفی، محمدمهدی. (۱۳۸۵). مبانی نظری حکومت اسلامی؛ بررسی فقهی تطبیقی. ترجمه محمد سپهری. تهران: مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی.
۶. افشانی، علیرضا و دیگران (۱۳۹۱). تحلیلی بر رابطه بین میزان دین‌داری و میزان اعتماد اجتماعی. در: فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، شماره ۲۹.
۷. انصاری، باقر. (۱۳۸۶). مفهوم، مبانی و لوازم آزادی اطلاعات. در: نامه‌ی مفید، شماره ۶۱.
۸. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۷). بررسی و نقد لایحه‌ی آزادی اطلاعات. در: فصل‌نامه اطلاع‌رسانی، شماره ۱۳.
۹. باقرزاده، محمدرضا. (۱۳۷۹). گذری بر حقوق متقابل مردم و حاکم در جامعه‌ی علوی. در: مجله معرفت، شماره ۳۷.
۱۰. بوکیع، محمدبن خلف. (۱۴۰۶ق). اخبار القضاء. بیروت: عام الکتب.
۱۱. پدرام، سعید و رحمانی‌زاده دهکردی، حمیدرضا. (۱۳۸۱). شفاف‌سازی و پاسخ‌گویی در نهادهای رسمی، در مجلس و راهبرد: شماره ۳۶.
۱۲. تمیمی آمدی، عبدالواحد. (۱۴۱۰ق). غررالحکم و درر الکلم. تصحیح سیدمهدی رجائی. قم: دار الکتب الاسلامی.

۱۳. جاویدی، رقیه و بهروزی‌لک، غلام‌رضا. (۱۳۹۵). شاخص‌های نظام سیاسی مطلوب از دیدگاه امام خمینی و آیت‌الله‌خامنه‌ای. در: سیاست متعالیه، شماره سیزدهم.
۱۴. جعفری لنگرودی، محمدجعفر. (۱۳۶۰). *دائرةالمعارف علوم اسلامی*. تهران: کتابخانه‌ی گنج‌دانش.
۱۵. حبیبی، محمدحسن. (۱۳۸۲). بررسی حق آگاهی مردم به‌عنوان یک حق اساسی. در: حقوق اساسی، شماره ۱.
۱۶. حرانی، ابو‌محمد. (۱۳۹۴ق). *تحف العقول عن آل الرسول*. قم: مکتبه بصیرتی.
۱۷. خمینی، روح‌الله. (۱۳۷۹). *کتاب البیع*. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۱۸. خوانساری، جمال‌الدین محمد. (۱۳۴۶). شرح غرر الحکم و درر الکلم. تهران: دانشگاه تهران.
۱۹. دشتی، محمد. (۱۳۸۵). *ترجمه‌ی نهج‌البلاغه حضرت امیرالمومنین (ع)*. قم: مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمومنین.
۲۰. دلشاد تهرانی، مصطفی. (۱۳۹۵). *خلاصه‌ی سیره نبوی؛ دفتر سوم: سیره مدیریتی*. تهران: انتشارات دریا.
۲۱. رشیدرضا، محمد. (۱۴۲۱ق). *تفسیر المنار*. بیروت: دارالمعرفه.
۲۲. سروش محلاتی، محمد. (۱۳۷۵). نصیحت ائمه مسلمین. در: حکومت اسلامی، شماره ۱.
۲۳. سیوطی، جلال‌الدین و محلی، جلال‌الدین. (۱۴۰۶ق). *تفسیر العجالیین*. بیروت: مؤسسه النور للمطبوعات.
۲۴. صالح، صبحی. (۱۴۱۴ق). *نهج‌البلاغه*. (فیض‌الاسلام، مصحح). قم: دارالهجره.
۲۵. ضمیری، عبدالحسین و نصیری، حامد‌رضا. (۱۳۸۹). حکمرانی خوب و نقش شفافیت در تحقق آن. در: پژوهشنامه، شماره ۵۲.
۲۶. طوسی، ابو‌جعفر محمدبن حسن. (۱۴۱۱ق). *الامالی*. قم: دارالثقافه.
۲۷. عمید، حسن. (۱۳۷۸). *فرهنگ فارسی عمید*. تهران: انتشارات امیرکبیر.
۲۸. قاضی، ابو‌الفضل. (۱۳۷۵). *حقوق اساسی و نهادهای سیاسی*. تهران: دانشگاه تهران.

۲۹. کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۱۹ق). *الاصول من الکافی*. بیروت: دار لتعاریف للمطبوعات.
۳۰. کمالی، یحیی. (۱۳۹۲). تأثیر شفافیت اقتصادی در پیشگیری و مبارزه با فساد اقتصادی. در: مرکز مطالعات و پژوهش‌های سلامت اداری، شماره ۴۹.
۳۱. مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳ق). *بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار*. بیروت: دار احیا التراث العربی.
۳۲. مصطفوی، حسن. (۱۴۳۰ق). *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*. بیروت: دار الکتب العلمیه.
۳۳. معین، محمد. (۱۳۶۰). *فرهنگ فارسی معین*. تهران: انتشارات امیرکبیر.
۳۴. منتظری، حسین علی. (۱۴۰۹ق). *مبانی فقهی حکومت اسلامی*. ترجمه محمود صلواتی. قم: مؤسسه ی کیهان.
۳۵. نائینی، محمدحسین. (۱۴۲۴ق). *تنبیه الامه و تنزیه المله*. تحقیق و تصحیح سیدجواد ورعی. قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه.
۳۶. نوری الطبرسی، حسین بن محمدتقی. (۱۴۰۸ق). *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*. بیروت: مؤسسه آل‌البیت لاحیاء التراث.